

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش ولایت فقیه در جامعه اسلامی از منظر اسلام

فاطمه محسنی کلاگر^۱

چکیده

ولی فقیه عبارت است از حاکمیت فقیه جامعه شرایط به نیابت از معصوم در زمان غیبت امام عصر ولایت فقیه از جهات مختلف از جمله کلامی فلسفی تفسیری قابل بررسی است اما نگارنده در نظر دارد از منظر اسلام بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که نقش ولایت فقیه در جامعه اسلامی از منظر اسلام چیست.

وجود فقیه جامع الشرائع در عصر غیبت سبب اجرای قانون الهی در جامعه و هماهنگی بین قوا و سازمان‌ها در این سو می‌شود با نگاهی گذرا به گذشته و حال مسلمین و مشاهده نا بسامانی‌ها و عقب ماندگی‌های مادی و معنوی به روشنی گویای عدم حضور حاکم اسلامی در محوریت جامعه اسلامی جهت هدایت افراد به سوی سعادت است. روش تحقیق، توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است که در نهایت نگارنده به این نتایج دست یافته است که عبارتند از نقش اجتماعی و سیاسی ولایت فقیه در جامعه اسلامی که شامل گسترش صدور اسلام و انقلاب اسلامی به دیگر کشورها همچنین دفاع از قدرت اسلام و از میان برداشتن فتنه‌ها و در نهایت تصمیم‌گیری کلان نظام و نقش فرهنگی ولی فقیه که شامل نقش ولی فقیه در اصلاح ناهنجاری‌ها و همچنین و رویه فرهنگ سازی ولی فقیه در جامعه و در نهایت به نقش اقتصادی ولی فقیه در جامعه اسلامی که شامل وجوه شرعی و مالیات باشد را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: جامعه اسلامی، حکومت الهی، ولایت فقیه، مرجعیت.

مقدمه

مفهوم شناسی

^۱. طلبه حوزه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها آمل.

ولاء، ولایت (به فتح واو)، ولایت (به کسر واو)، ولی، مولی، اولی و امثال اینها همه از ماده (ولی) -ول، ی- اشتقاق یافته اند.^۱ در کتاب العین هم الْوَلَايَةُ: مصدر الموالاة، و الْوَلَايَةُ مصدر الوالی. و الْوَلَاءُ: مصدر المولی. و الْمَوَالِي: بنو العم. و الْمَوَالِي من أهل بیت النبی صلی الله علیه و آله و سلم، آمده است.^۲ همچنین در کتاب المفردات وَلَايَةٌ - با کسره حرف (و) یاری کردن است ولی - وَلَايَةٌ - با فتحه حرف (و) سرپرستی است و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که کاری را بعهده بگیرند.^۳

در کتاب وسنت مفهوم ولایت، به معنای سرپرستی و زمامداری و مدیریت اجتماعی مطرح شده است، البته این تصدی مدیریت گاهی در شعاعی محدود است مانند «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»^۴ «فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ»^۵، و گاهی دایره‌ای وسیع را شامل می‌شود، مانند ولایت تکوینی خداوند بر هستی «قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ»^۶ یا ولایت تشریعی خداوند متعال و پیامبر صل الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، در قانون گذاری و فرمانروایی بر جامعه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^۷ در احادیث هم مفهوم ولایت جز به معنای سرپرستی و زمامداری نیست.^۸

مفهوم ریشه ای ولایت را از روایات هم بگیریم، خواهیم فهمید که چرا اگر جامعه ای وامتی ولایت ندارد، اگر همه عمر را به نماز و روزه و تصدق تمام اموال بگذرانند، باز لایق لطف خداوند نیست و خلاصه در سایه این بحث معنای احادیث ولایت را می‌شود فهمید، از جمله این حدیث معروف لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةً وَلِيَ اللَّهُ فَيُؤَالِيهِ وَ يَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَةٍ مِنْهُ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ»^۹ «اگر مردی شبها تا صبح بیدار بماند و تمام عمر را روزه بگیرد - نه فقط ماه رمضان - و تمام اموالش را در راه خدا صدقه دهد و در تمام دوران عمرش حج رود، در حالیکه ولایت ولی خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی کند، و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، این چنین آدم هر آنچه که انجام داده، بیهوده و بی ثمر است.^{۱۰}

۱. مطهری، ولاءها و ولایتها، ص ۱۳.

۲. فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۳۶۵.

۳. راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۴۹۰.

۴. اسرا: ۳۳.

۵. بقره: ۲۸۲.

۶. شوری: ۹.

۷. مائده: ۵۵.

۸. نصیری فرد، نگرشی بر مفهوم ولایت فقیه، ص ۲۱.

۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۴.

۱۰. خامنه ای، ولایت، ص ۱۲.

فقیه کیست؟

مقصود از فقیه در بحث ولایت فقیه، مجتهد جامع شرایط است نه هر کس که فقه خوانده باشد. فقیه جامع شرایط باید سه ویژگی داشته باشد؛ «اجتهاد مطلق»، «عدالت مطلق»، «قدرت مدیریت و استعداد رهبری». یعنی از سویی باید صدور ساقه اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد و از سویی دیگر، در تمام زمینه ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند، و از هیچ یک تخلف ننماید و از سویی سوم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را واجد باشد^۱.

ریشه ولایت فقیه

اینکه فقیه در مقام حکومت و ولایت از سوی امام معصوم علیه السلام نیابت داشته باشد ریشه فقهی و اعتقادی دارد و احادیثی بر این مسئله دلالت دارد و مشروعیت حکومت فقیه را به همین نیابت از حجت خداوند می‌رساند یکی از روایاتی که به نیابت در تصدی امور استدلال شده مربوط به «حوادث واقعه» هست که حضرت ولی عصر علیه السلام در پاسخ نامه محمد بن عثمان نوشته است در این توقیع شریف چنین آمده است: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة أحاديثنا؛ فإنهم حجتي عليكم و أنا حجة الله عليهم»^۲ (در رویدادها و پیش آمدها، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان می باشم) در این حدیث کسانی که راوی احادیث ائمه و آگاه به فقه اهل بیت و احکام خدا هستند از سوی حضرت حجت سلام الله علیه به عنوان نیابت معرفی شده‌اند و حکم و داوری آنها حکم امام زمان قلمداد شده است. همچنین آقای ابوترابی در مقاله «ولایت فقیه در ائینه خرد» اینگونه بیان کردند: با توجه به حاکمیت ائمه و اطلاق ادله اطاعت از ان بزرگواران، کسانی که از سوی ان حضرات بر کاری منصوب می شوند در واقع با واسطه از سوی خدا بران کار منصوب شده اند و در حدی که محتوای دلیل حاکمیت آنها، دلالت دارد در حاکمیت خود اختیار دارند فرماندهان و فرمانداران منصوب از سوی ان حضرات از این دسته اند. از جمله مصادیق این گونه حاکمیت، حاکمیت نواب اربعه است که در دوران غیبت صغری از سوی امام عصر {عج} نماینده ان امام بوده اند. هر چند عملاً مجالی برای حاکمیت رسمی و تشکیل حکومت نیافتند اما در واقع چنین حاکمیتی داشتند و در حد امکان ان را اجرا کردند.^۴

نقش اجتماعی و سیاسی ولایت فقیه در جامعه اسلامی

^۱ . جوادی املی، ولایت فقاقت و عدالت، ص ۱۳۶.

^۲ الشیخ الطبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳.

^۳ مصباح یزدی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ص ۱۵۹.

^۴ ابوترابی، «ولایت فقیه در ائینه خرد»، ص ۲۶.

در شریعت اسلام یک سلسله تکالیف احکامی وجود دارد که به صورت فردی به انجام نمی‌رسد بلکه اجرای آنها در گرو اجتماع و بسیج و همکاری عمومی است. مثلاً جهاد تکلیفی سیاسی- اجتماعی است که بعضی از اقسام آن نیاز به اجازه شارع مقدس دارد و بدون اجازه شارع مسلمانان به خود حق حمله به مناطق دیگر را نمی‌دهند در چنین مسائلی فقط وجود کسی که ولایت شرعی داشته باشد می‌تواند به ادای این تکلیف بینجامد در زمان پیامبر و ائمه این مسائل با دستور مستقیم یا با اجازه آنها صورت می‌گرفتند چون آنها دارای ولایت شرعی بودند اما بعد از غیبت نیز نیاز به کسی است که ولایت شرعی داشته باشد تا این امور به دست او به انجام برسد پس لازم است ولایت شرعی در زمان غیبت نیز ادامه یابد زیرا ادامه ولایت ائمه علیهم السلام، همان ولایت فقیه است.^۱ ایه جواد املی در تفسیر موضوعی قرآن کریم بیان داشتند: ماکس وبر، عامل سرزمین رایگی از وجوه مشخص کننده هر نظام سیاسی می‌داند. بی تردید، وجود نهادی تصمیم گیر در راس امور اجتماعی برای اجرای قوانین لازم است. جامعه بدون نهاد حکومتی قطعاً اجتماعی غیر انسانی است، زیرا انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادت خلق شده‌اند، که بی قانونی دست یافتنی نیست و صرف قانون نیز بی اجرای آن به دست حاکم بی اثر خواهد بود، بنابراین در هر جامعه انسانی نهاد سیاسی- حکومتی لازم است،

شارع مقدس اسلام با توجه به این امر مهم، همه امور دینی را بر حکومت و ولایت نهاده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ». در اهمیت این نهاد اجتماعی، همین بس که خداوند خودش این امر مهم را بر عهده گرفته و در آیات متعددی اشاره فرموده است که حق حاکمیت اولاً و بالذات برای خدا و ثانیاً و بالعرض به کسانی متعلق است که از او اذن دارند: «أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاكِمِينَ»^۳ «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ»^۴ پس از ثبوت امر حکمرانی برای خدای سبحان می‌فرماید که من این مهم را همراه با حکمت انبیا دادم: «إِنِّي أَخَذْتُ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»^۵

در حقیقت، منصب رسالت و نبوت با حاکمیت و حکمرانی توأم است، بنابراین در تعالیم اسلام به این امر مهم، تأکید بسیار شده است و نمی‌توان گفت که از این نهاد مهم اجتماعی در دین غفلت شده، یا به آن چندان

^۱ پاکیزه و احمدی، ولایت فقیه، ص ۳۶.

^۲ کافی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

^۳ انعام: ۶۲

^۴ انعام: ۵۷

^۵ مریم: ۱۲

پرداخته نشده است^۱. ولی فقیه در جنبه های سیاسی و اجتماعی نقش های بسیاری دارند، نگارنده ان را از سه جنبه مورد نگارش قرار داد:

الف. گسترش صدور اسلام و انقلاب اسلامی به دیگر کشورها

علما و دانشمندان دین طبق آیات و روایات حکم پیامبران را دارند از آیات استفاده می شود که این ها باید بروند احکام دین را یاد بگیرند و وقتی مراجعت می کنند به دیگران یاد بدهند و تبلیغ کنند برای روشن شدن مطلب یکی از آیات را بیان می کنیم «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۲ هنگامیکه رسول فرمان خروج برای جنگ دهد، نباید مومنان همگی بیرون رفته و رسول را تنها گذارند لکه چرا از هر طایفه ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند تا آن علمی که آموخته اند بروند و به قوم خود بیاموزند که قومشان هم شاید خداترس شده و از نافرمانی حذر کنند.

بعضی از مفسران ذکر کرده اند که آیه کریمه حکم مستقلی را جدا از مباحث جهاد بیان می کند و آن اینکه مسلمانان وظیفه دارند به عنوان یک واجب کفایی از هر قومی عده ای برخیزند و برای فراگرفتن علوم و معارف و تعلیمات اسلامی به مراکز بزرگ اسلامی بروند و پس از فرا گرفتن علوم به شهر و دیار خود بازگردند^۳.

چون مقام ولایت امر از جانب خدا منصوب می شود و همه فقها نایب حضرت ولی عصر هستند لذا به محض آنکه یکی از فقها (مبسوط الید) شد و حکومت اسلامی تشکیل داد حاکم آن ولی امر مسلمین جهان است و بر مسلمانان کشورهای دیگر نیز واجب است از حکم وی اطاعت نمایند هدف نهایی مکتب اسلام تشکیل حکومت جهانی است حکومت فقیه واجد شرایط همان حکومت ام القرای جهان اسلام است

واقای حسینی در کتاب ولایت فقیه خود در ادامه این مبحث همچنین ذکر کردند: وقتی بلقیس از آمدن به حضور حضرت سلیمان علیه السلام امتناع ورزید می خواهد به وسیله امطعه و هدایا حضرت را از این دعوت به حق باز دارد حضرت جواب رد می دهد و می فرماید: (اگر شما دعوت حق را نپذیرید با ذلت و زبونی شما را از آن سرزمین بیرون خواهیم ساخت) این تهدید نظامی ملکه مشرکه صبا رو از خواب غفلت بیدار می کند و توبه خود را به درگاه الله به این نحو بیان می کند «إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۴ معلوم است

^۱ جوادی املی، تفسیر موضوعی قران کریم جامعه درقران، ج ۱۷، ص ۵۶-۵۷

^۲ توبه: ۱۲۲

^۳ حسینی {چهره}، ولایت ورهبری، ص ۹۲-۹۳

^۴ نمل: ۴۴.

چنان که بسیاری از مفسران گفته اند: منظور از «اسم» در این جا مسمی است؛ یعنی خداوند جمیع علوم مربوط به آنچه در زمین و آسمان است و خواص و منافع آن ها، همه را به حضرت آدم (علیه السلام) تعلیم داد و بدین سان، آدم (علیه السلام) به تمام اسرار عالم آشنا شد.^۱

۲. نقش ولایت فقیه در زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی

بعد از اینکه حکومت امویان و عباسیان به ماهیت نفوذ معنوی بنی هاشم پی بردند، سعی کردند نحوه حضور و ارتباط ایشان را با مسلمانان و شیعیان کمتر کنند چون حکومت های وقت بر این امر اذعان داشتند که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد احترام مسلمانان بوده و از آنها به عنوان بزرگ و زعیم در مناطق مختلف یاد می شود، لذا احساس خطر کرده و رفته رفته حضور امامان معصوم را در بین جامعه با طرق مختلف مانند: زندان، محدودیت های شدید و... کم کردند در این میان، ائمه علیه السلام برای حل این مشکل راهکارهایی برای جامعه شیعیان ارائه کردند. همچنین ائمه علیه السلام بر این امر نیز واقف بودند که هرچه تاریخ به جلو حرکت می کند جامعه اسلامی به عصر غیبت نزدیک می شود، لذا امامان رفته رفته برای اینکه مردم را با این امر آشنا سازند و جامعه اسلامی بدون مقدمه وارد غیبت نشود، راهبردهایی را در آماده سازی جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت ارائه کردند^۲ امام خمینی {ره} در صحیفه بیان داشتن: تمام دستگاه هایی که الان به کار گرفته شده اند در کشور ما و امیدواریم که در سایر کشورها توسعه پیدا بکند باید توجه بر این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی (عج)^۳ استاد شجاعی در کتاب انقلاب اسلامی و آینده جهان بر این عقیده بودن که امام خمینی در این کلام هماهنگ با امام باقر علیه السلام ظهور را آنقدر نزدیک می بیند که با کلمه باید تاکید می کنند که باید برای ملاقات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده باشیم.^۴ امام خمینی رحمت الله علیه در اواخر عمر مبارکشان رسالت جهانی انقلاب اسلامی را اینگونه معرفی می فرماید: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمدار حضرت حجت ارواحنا فداه است.» از نظر ایشان اهداف جهانی انقلاب اسلامی خط قرمزی است که همه مسئولان نظام موظف به رعایت آن هستند ایشان هر مسئولی را که در جمهوری اسلامی از این آرمان جهانی عدول نماید خائن و خطر ساز می دانند؛ (مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی

^۱ کریمی، جامعیت وحی محمد {ص} به گستره علم ان حضرت، ص ۱۴، ۱۵، ۱۶،

^۲ معصومی، راهبردهای سیاسی امام باقر و امام صادق علیهما السلام در آماده سازی جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

^۳ موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۷۶

^۴ شجاعی، انقلاب اسلامی و آینده جهان، ص ۲۶۵.

و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.^۱

نقش اقتصادی ولایت فقیه در جامعه اسلامی

الف- وجوه شرعیه

چندین فقیه تصریح کرده اند که واجب است در زمان غیبت مصرف سهم امام در اصناف موجود را کسی که حکم از آن اوست و جامع الشرایط فتوا است به نیابت از امام برعهده گیرد و با مصرف خمس در موارد مصرف آن، آنچه را که بر امام واجب است، ادا نمایند. کما اینکه فقیه ادای آنچه بر غائب غیر امام نسبت داده شده است و در مسالک به تمام کسانی که مصرف خمس در آن مورد را واجب دانسته اند، نسبت داده شده است. در کتاب المحکی به نقل از زاد المعاد به اکثر علما نسبت داده شده است آنها به خاطر انحصار ولایت آن و امثال آن در فقیه.^۲ در کتاب ولایت فقیه استادمعرفت آمده است که: گرفتن و به مصرف رساندن وجوه شرعیه همانند خمس و زکات وانفال... در اصل حق مقام ولایت است. و فقها براساس حق ولایت متصدی ان می گردند، نه به حق فقاقت.

پیامبر اکرم {ص} که مامور به اخذ صدقات بود، براساس حق زعامت چنین ماموریتی یافته بود «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»^۳ و از روایات باب خمس و زکات و نیز انفال و اموال خراجیه و غیره نیز به خوبی به بدست می آید که تصدی اخذ و صرف ان، حق مقام امامت است.^۴ در تبیین اندیشه جواهری در مقاله آقای قاسمی آمده که روشن است که اطاعت از فقیه در امور شرعی و یا به گونه ای مربوط به شرع، واجب است و دریافت زکات زمره چنین اموری جای میگیرد، حتی در صورتی که فقیه مطالبه پرداخت ان را نکند، حمل زکات و پرداخت ان به فقیه مستحب است.^۵

ب. مالیات

یکی از سیاست های مالی که در اختیار ولی امر مسلمین قرار دارد، وضع مالیات بردرآمد هاست که براساس نیاز دولت مقرر می گردد مالیات، یکی از اساسی ترین پایه های تثبیت حکومت و قوام دولت به شمار می رود دولت در

^۱ همان، ص ۳۱

^۲ . حیدری پیشینه و مبانی ولایت فقیه، ص ۱۶۳ .

^۳ توبه: ۱۰۳

^۴ معرفت، ولایت فقیه، ص ۱۴۲.

^۵ قاسمی، «ولایت فقیه در اندیشه فقهی-سیاسی صاحب جواهر»، ص ۸۰.

شئون مختلف، باید سیاست گذاری کند، در بعد نظامی و انتظامی و فرهنگی و غیره که در تمامی این ابعاد به نیروی مالی نیاز دارد، زیرا مال نیروی قدرتی است که به هر نیرویی قابل تبدیل می باشد. «المال طاقه یمكن تحویلها الی ای طاقه شئت»^۱

نتیجه گیری

وجود فقیه جامع شرایط در عصر غیبت سبب اجرای قوانین الهی در جامعه و هماهنگی بین قوا و سازمان ها می شود در این مقاله به نقش اجتماعی سیاسی ولایت فقیه در جامعه اسلامی که شامل مولفه هایی چون گسترش صدور اسلام و انقلاب اسلامی به دیگر کشورها و همچنین دفاع از قدرت اسلام و از میان برداشتن فتنه ها و در نهایت تصمیم گیری کلان نظام به همراه نقش فرهنگی ولی فقیه اشاره شد که شامل اصلاح ناهنجاریها و همچنین رویه فرهنگ سازی ولی فقیه در جامعه و در نهایت به نقش اقتصادی ولی فقیه در جامعه اسلامی که به دو وجه آن یعنی وجوه شرعی و مالیات تبیین شد با توجه به فرضیه هایی که مطرح گشت در ضمن بیان آیات و مستندات که در مقاله ارائه شده نگارنده تمام فرضیه ها را اثبات و به این نتایج دست یافت.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱) ابوترابی، احمد، «نظریه ولایت فقیه، با بیش از هزار سال سابقه، بررسی دیدگاه فقهای سده اول پس از غیبت کبری در ولایت»، اندیشه نور، ش ۱۵، ۱۳۸۸.
- ۲) ابوترابی، احمد، «ولایت فقیه درائینه خرد»، اندیشه نور، ش ۱۱، ۱۳۷۸.
- ۳) اقاچانی قناد علی، گرداب هلاکت: فتنه از دیدگاه امام علی علیه السلام-مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۰:
- ۴) اقاجمال خوانساری، محمدبن حسین، شرح اقاجمال خوانساری بر غررالحکم ودرالکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- ۵) اکبری، محمد رضا، ولایت فقیه، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۵
- ۶) الشیخ الطبری، احمد بن علی، الاحتجاج، تهران: مرتضوی، بی تا
- ۷) پاکیزه واحمدی، محمود و عبدالهادی، ولایت فقیه، بی جا، معاونت تربیت و آموزش عقیدتی -سیاسی، ۱۳۹۳
- ۸) جوادی املی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم جامعه درقرآن، قم: مرکز نشر اسرای، ۱۳۸۷

^۱ . معرفت، ولایت فقیه، ص ۱۴۳.

- ۹) جوادى املی، عبدالله، ولايت فقاہت وعدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰
- ۱۰) حسینی {چهره}، سيد حسين، ولايت ورهبرى، بی جا شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴،
- ۱۱) حیدری پیشینه و مبانی ولايت فقيه، قم: مجمع جهانی شیعه شناسی، 1390
- ۱۲) خامنه ای، سيدعلی، نقشه ی نقش براب، تهران: انقلاب اسلامی ۱۳۹۴.
- ۱۳) خامنه ای، سيدعلی، ولايت، بی جا، مرکز چاپ ونشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰
- ۱۴) راغب اصفهانی، حسين بن محمد، ترجمه وتحقیق مفردات الفاظ قران، مترجم غلام رضا خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.
- ۱۵) شجاعی، محمد، انقلاب اسلامی و آینده جهان، قم: دفتر انتشارات محیی، ۱۴۰۱.
- ۱۶) صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل ال محمد صلی الله علیهم، ایران قم: مکتبه ایه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق
- ۱۷) طاهری خرم آبادی، سيدحسن، ولايت فقيه و حاکمیت ملت، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا
- ۱۸) طباطبایی، محمدحسین، حاشیه الکافیه تهران: قائمیه اصفهان، بی تا
- ۱۹) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۰) قاسمی، محمد علی، «ولايت فقيه در اندیشه فقهی-سیاسی صاحب جواهر»، نشریه رواق، ش ۱۳۸۳، ۳۴.
- ۲۱) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۶۹.
- ۲۲) کردستانی، سوران، مرجعیت ومقام شامخ حضرت امام صادق علیه السلام از دیدگاه ائمه مذاهب فقهی اهل سنت، بی جا، سوران کردستانی، بی تا
- ۲۳) کریمی، مصطفی، جامعیت وحی محمد {ص} به گستره علم ان حضرت، ایران: معرفت، ۱۳۸۱
- ۲۴) گتی زواره، غلام رضا، امام محمد باقر {علیه السلام} و فضای فرهنگی، قم: موسسه فرهنگی واطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
- ۲۵) ماندگاری محمد مهدی منشور زندگی ایمانی، اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران 1397:
- ۲۶) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۴۴۰ ق
- ۲۷) محقق، حسین، حرکت فرهنگ-سیاسی امام جواد علیه السلام عامل گسترش تشیع، بی جا، حسین محقق، بی تا

۲۸) مصباح یزدی، محمدتقی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، بی جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹

۲۹) مطهری، مرتضی، ولاءها و ولایتها، تهران: صدر، ۱۳۶۹

۳۰) معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم: موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۷۷

۳۱) معصومی، ابراهیم، راهبردهای سیاسی امام باقر و امام صادق علیهما السلام در آماده سازی جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت، قم: موسسه آینده روشن، ۱۳۹۴.

۳۲) موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۳۳) نصیری فرد، عباس، نگرشی بر مفهوم ولایت فقیه، قم: اثار دانشوران، ۱۳۹۰.

۳۴) نصرتی، علی اصغر، نظام سیاسی اسلام، قم: هاجر، ۱۴۰۱

۳۵) نوری مطلق، علی، نقش رسانه در تبیین دفاع و هجوم فرهنگی، قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۳.

۳۶) Mehrnews.com/xpltw